

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۹ نومبر ۲۰۱۱

ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا، انقلاب فرهنگی پرولتاریائی

در جامعه سوسیالیستی، طبقات، تضادها و مبارزه طبقاتی باقی می ماندند. وجود طبقات ناشی از تضادهای اساسی دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم است. پس از تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و حزب سیاسی پیشرو آن، حزب کمونیست، علاوه بر بقایای طبقات ارتجاعی کهن (مثلاً ملاکین)، بورژوازی هنوز باقی است و خرده بورژوازی نیز تازه در حال تحول و تکامل است. بنابراین مبارزه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی از میان نمی رود، لنین می گوید: "پس از واژگونی قدرت سرمایه، پس از تخریب دولت بورژوازی، پس از استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، مبارزه طبقاتی ناپدید نمی شود (آنگونه که برخی نمایندگان جاهل سوسیالیسم قدیمی و سوسیال دموکراسی کهن می پندارند) بلکه شکل دیگری به خود گرفته و از بسیاری جهات حادثتر می گردد."^۱

زیرا: "نیروی مقاومت طبقات سرنگون شده همانا به علت شکستشان صد ها و هزار ها بار افزایش می یابد."^۲ به همین جهت لنین تأکید می کند که انتقال به سوسیالیسم یک دوران کامل تاریخی، یک دوران کامل مبارزه طبقاتی پر از تصادمات شدید را در بر می گیرد و "مادامی که این دوران به سر نرسیده است برای استثمارگران ناگزیر امید اعاده قدرت باقی می ماند و این امید به تلاش هائی برای اعاده قدرت مبدل می شود."^۳ لنین ریشه های قدرت استثمارگران سرنگون شده و زمینه های امید و تلاش آنها را چنین توضیح میدهد:

۱. برتری آنان در زمینه های معلومات علمی و فنی و اداری که به کمک آن می کوشند "بهشت از دست رفته خود را دوباره به دست آورند؛
۲. وجود نیروی تولید کوچک که به طور دائمی سرمایه داری و بورژوازی را به وجود می آورد؛
۳. وجود پایگاه بین المللی بورژوازی (سایر کشور های جهان که در آنها هنوز بورژوازی و امپریالیسم حاکم است)؛

^۱ - لنین: "درود بر کارگران مجارستان"

^۲ - لنین: "انقلاب پرولتاری و کائوتسکی مرتد"

^۳ - همانجا

۴. : نفوذ و احاطه مخرب و فاسد کننده ایدئولوژیکی و خرده بورژوازی بر روی پرولتاریا که باعث انحطاط

برخی عناصر آن و تبدیل شان به عناصر بورژوازی نوین و بوروکرات های بریده از توده ها می شود. مائوتسه دون به اتکاء آموزش های لنین و با جمع بندی از تجربه مبارزه طبقاتی در شوروی و چین خاطر نشان ساخت که مبارزه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی، هم در مناسبات تولیدی و هم در روبنا، بین دو طبقه پرولتاریا و بورژوازی ادامه دارد و تضاد عمده جامعه سوسیالیستی تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی است: "مبارزه طبقاتی بین پرولتاریا و بورژوازی، مبارزه طبقاتی میان نیرو های سیاسی گوناگون و مبارزه طبقاتی بین پرولتاریا و بورژوازی در زمینه ایدئولوژیک هنوز مبارزه ای طولانی و پیچیده خواهد بود و حتی آگاهی بسیار حدت خواهد یافت."^۴

در طول ساختمان سوسیالیسم، مبارزه بین دو راه (راه سوسیالیستی و راه سرمایه داری) پیوسته وجود دارد و از اینرو خطر احیای سرمایه داری نیز موجود است. مبارزه بین پرولتاریا و بورژوازی و مبارزه میان دو راه و دو مشی، در همه سطوح جامعه و از جمله در درون حزب کمونیست به صورت مبارزه میان پرولتاریا و صاحب قدرتان گام نهاده به راه سرمایه داری که نمایندگان بورژوازی در درون حزب اند منعکس می گردد. مائوتسه دون با یافتن تضاد عمده جامعه سوسیالیستی و قانونمندی رشد و تکامل این تضاد و با مطالعه تجربه مثبت و منفی دیکتاتوری پرولتاریا و علل و ریشه های احیای سرمایه داری و غلبه رویونیسم در اتحاد شوروی، ضرورت مطلق دیکتاتوری پرولتاریا را در دوران سوسیالیسم و تحکیم دائمی آن را تأکید نمود و تئوری کبیر ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا و چگونگی جلوگیری از احیای سرمایه داری در جامعه سوسیالیستی را بنیاد نهاد. بر حسب این تئوری، مشی اساسی حزب کمونیست برای تمام دوران تاریخی سوسیالیسم تدوین می شود. پراتیک انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی نیز که در چین در سال ۱۹۶۶ تحت رهبری مائوتسه دون بر پا گردید، این تئوری را بیش از پیش کامل تر و غنی تر ساخت.

مائوتسه دون روشن می سازد که در مراحل تاریخی معینی از ساختمان سوسیالیسم، عقب ماندگی مناسبات تولیدی و روبنا از رشد نیرو های مولده به درجه ای می رسد که به مانع جدی رشد آنها مبدل می گردد. در این صورت "تحولات سیاسی نقش تعیین کننده پیدا می کنند" و انجام یک انقلاب فرهنگی نظیر انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی چین "امری کاملاً ضروری و به موقع" می گردد. انقلاب فرهنگی یک انقلاب سیاسی است که در روبنا، در سطح ایدئولوژیکی و فرهنگی جریان می یابد. و رابطه مستقیم و دیالکتیکی با زیر بنای سوسیالیستی، با مناسبات تولیدی و سوسیالیستی داشته و در خدمت آن قرار می گیرد. هدف انقلاب فرهنگی سوسیالیستی یا پرولتاریائی جلوگیری از رجعت سرمایه داری و تحکیم سوسیالیسم در جامعه است. انقلاب فرهنگی یک مبارزه سیاسی برای تصفیة حزب از صاحب قدرتان گام نهاده به راه سرمایه داری و تحکیم قدرت سیاسی پرولتاریا به اتکاء بسیج توده های میلیونی خلق و شرکت دادن هر چه فعالتر آنان در مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی و رویونیسم است. انقلاب فرهنگی چین مناسبات اجتماعی سوسیالیستی را استحکام بخشیده و خلق را برای مسلط شدن بر شرایط هستی خود، برای تصاحب واقعی وسایل تولید توسط جامعه و تربیت کمونیستی در مقیاس وسیع بسیج می کند.

^۴ - مائوتسه دون: "در باره حل صحیح تضاد های درون خلق"

بنابراین، مفهوم انقلاب فرهنگی پرولتاریائی با مفهوم قدیم انقلاب فرهنگی که به زمینه دموکراتیک یعنی امور مربوط به مبارزه علیه فرهنگ فئودالی در افکار توده ها و غیره خلاصه می شود تفاوت داشته و معنی کاملاً وسیعی می یابد.

مائوتسه دون می گوید که برای جلوگیری از احیای سرمایه داری و تضمین پیروزی نهائی سوسیالیسم، نه یک بلکه چندین انقلاب فرهنگی از نوع انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی چین لازم است.

"انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریائی که هم اکنون جریان دارد فقط اولین انقلاب از این نوع است و باید در آینده ضرورتاً به انقلاب های دیگری از این نوع مبادرت ورزید. در انقلاب، مسأله پیروزی کی بر کی (بورژوازی بر پرولتاریا یا معکوس آن) فقط در پایان یک دوران بسیار طولانی حل خواهد شد. اگر ما آنطور که باید عمل نکنیم، احیای سرمایه داری هر لحظه ممکن است صورت پذیرد. اعضای حزب و تمامی خلق نباید تصور کنند که پس از یک یا دو و یا حتی سه یا چهار انقلاب فرهنگی، همه چیز رو به راه خواهد شد، مراقب باشید و هوشیاری خود را هرگز از دست ندهیم."⁵

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

⁵ - مائوتسه دون: "سخنرانی در ۲۳ مه ۱۹۶۸"